

کارگاه ترجمه (۱۵)



کریم امامی

کار بزرگ آقای کولمن بارکس

گفتیم که در این روزها ترجمه اشعار مولانا جلال‌الدین محمد بلخی ارومی در کشور پهناور آمریکا خوانندگان بسیار یافته و نام او را که در آن دیار Rumi است زبانزد خاص و عام ساخته است، و در واقع مولانا بعد از خیام دومین شاعر ایرانی است که موفق می‌شود پوسته زبان فارسی را بشکند و به عرصه زبانهای بزرگ جهانی پا بگذارد. مشکل دیگران، شاعران و نویسندگان ایرانی دیگر، که همچنان در حاشیه مانده‌اند این نیست که آثارشان به انگلیسی و زبانهای دیگر برگردانده نمی‌شود. در حقیقت بسیاری از آثار بزرگان ادب ما، از فردوسی گرفته تا سعدی و حافظ، و نیز مهم‌ترین آثار معاصران صاحب‌نام از صادق هدایت گرفته تا فروغ فرخزاد و سپهری، در سالهای اخیر به سعی ایران‌شناسان و دانشجویان زبان فارسی به انگلیسی و بعضی زبانهای دیگر ترجمه شده‌اند، ولی بیشتر این ترجمه‌ها مهجور مانده‌اند و کمتر خواننده‌ای به سراغ آنها می‌رود.

رواج یافتن اشعار مولانا در آمریکا حتماً دلایل گوناگون و پیچیده‌ای دارد که تحلیل آن از این گوشه جهان و بدون مطالعه دقیق کار آسانی نیست آنچه به نظر صاحب این قلم مسلم می‌نماید این است که غلبه زندگی ماشینی و مادی در آمریکا بعضی از افراد حساس‌تر جامعه را می‌رماند و به سوی منادیان معنویت و عشق و محبت هدایت می‌کند. و مولانا یکی از این منادیان است. و کار بزرگ آقای کولمن بارکس^۱ مترجم اشعار مولانا، که فارسی هم نمی‌داند، این است که توانسته است مفهوم این اشعار را در قالب کلامی شاعرانه و دلپذیر بریزد و به خوانندگان مشتاق آمریکایی عرضه کند. و کوشش‌های او بعد از بیست و چند سال امروز به بار نشست است.

آنچه درباره آقای بارکس می‌دانیم این هاست: خودش شاعر است و دو دفتر شعر منتشر شده دارد.^۲ در دانشگاه جورجیا ادبیات انگلیسی درس می‌داده و حالا استاد ممتاز آن دانشگاه است. از اواخر دهه ۱۹۷۰ به برگرداندن اشعار عاشقانه مولانا (غزلیات شمس) پرداخته و استقبالی که از این ترجمه‌ها شده او

1. Coleman Barks.

2. *The Juice and The Gourd Seed.*

را به ادامه کار تشویق کرده و از یک دفتر به دیگری به دوازده دفتر رسیده و این کتابها کم کم جای خود را در بازار نشر امریکا باز کرده اند (نگاه کنید به فهرست کتابها در انتهای کارگاه). به تشکیل مجالس شعرخوانی علاقه دارد و ترجمه‌های خود را با صدایی غزلی و پرطنین با همراهی موسیقی شرقی (سیتار و طبله) برای شعر دوستان قرائت می‌کند و کاست این شعرخوانی‌ها نیز بعداً به بازار عرضه می‌شود و در خانه و اتومبیل مشتاقان را محظوظ می‌کند. و سرانجام آن که چند تایی از ترجمه‌های آقای بارکس به آخرین ویرایش "جنگ نورتن از شاهکارهای ادبیات جهان" راه یافته‌اند و این ظاهراً افتخار بزرگی است، چون در همه برگه‌های اطلاعاتی مربوط به مترجم درج شده است. و همچنین از برکت موفقیت آقای بارکس، حالا دیگر ناشران امریکا و انگلیس به دیگر مترجمان اشعار مولانا را روی خوش نشان می‌دهند و شنیده‌ایم چند دفتر ترجمه جدید و نیز کتابهایی در شرح احوال مولانا از اشخاص دیگر نیز به چاپ سپرده شده است.

خب، این از این. حالا خوانندگان این سطور حتماً می‌خواهند بدانند که این مترجم فارسی‌ندان چگونه توانسته است به کلام و مفاهیم غزلیات شمس میان‌بر بزند؟ آیا شهودی عمل کرده (نخندید، مترجم شهودی هم داریم) یا مددکاری داشته است؟ رابط ایرانی او کیست و کجاست؟

رابط ایرانی شخصی است با نام فرنگی شده John A. Moyne (و نام ایرانی جواد معین) که چند دهه در امریکا به تدریس اشتغال داشته و در حال حاضر به مقام استادی ممتاز و فراغت از تدریس ارتقا یافته است. طبق اطلاعاتی که از خود ایشان به دست آورده‌ام قبل از بازنشستگی در کویتنز کالج^۱ نیویورک رئیس گروه مهندسی کامپیوتر و در دانشگاه شهر نیویورک^۲ رئیس گروه زبان‌شناسی بوده است.

نگارنده از روزگار دیرین خدمت خود در مؤسسه انتشارات فرانکلین یک پایان‌نامه دکتری را به یاد می‌آورد در باره ساختار افعال فارسی که به زبان انگلیسی نوشته شده بود و نام John A. Moyne بر پیشانی آن به چشم می‌خورد. در کارنامه آقای دکتر معین دو کتاب دیگر در مقولات زبان‌شناختی نیز وجود دارد که یکی در باره شناخت ماهیت زبان است^۳ و دیگری در باب زبان "لیسپ"^۴ از زبانهای رایانه‌ای^۵.

و اما چگونگی همکاری آقای معین با آقای بارکس از زبان آقای معین:

حدود ۲۵ سال پیش نامهای از کولمن بارکس دریافت کردم که در آن زمان استاد زبان انگلیسی و شعر در دانشگاه جورجیا بود. به مولانا علاقه مند شده بود و در جستجوی شخصی بود که به او کمک کند نام مرا کسی به او داده بود و می‌خواست بدانم مایل هستم یا او همکاری کم یا نه. من همیشه به شعر کلاسیک فارسی علاقه داشتم و مقداری هم در این باب تحقیق کرده بودم و قبول کردم که در قالب پروژه‌ای برای ترجمه اشعار مولانا به انگلیسی با کولمن بارکس همکاری داشته باشم.

و به این ترتیب ترجمه دقیق و لفظ به لفظ آقای معین از "دیوان کبیر" (چاپ فروزانفر) نقطه آغازی

1. *The Norton Anthology of World Masterpieces*

2. Queens College

3. the City University of New York

4. *Understanding Language: Man or Machine (Foundations of Computer Science)*, 1985.

5. *Lisp: A First Language for Computing*

بود برای دخل و تصرف‌های شاعرانه آقای بارکس در متن و در آوردن آن به صورتی که مقبول طبع خوانندگان امریکایی باشد. و حاصل این همکاری بیشتر از دوازده عنوان کتاب است که در برخی از آنها در صفحه عنوان نام "جان مومین" مقدم بر کولمن بارکس آمده است و در بعضی دیگر برعکس.



کولمن بارکس

البته آقای بارکس در سالهای اخیر در ادامه موفقیت آمیز ترجمه‌های خود، به سراغ ترجمه‌های شرق‌شناسان نسل پیشین مثل نیکولسن و آربری هم رفته و علاوه بر مولانا به حافظ و سعدی و سنایی و برخی شاعران فارسی زبان دیگر نیز پرداخته است ولی اساس کار او معرفی اشعار مولاناست. آقای بارکس در مقدمه یکی از کتابهایش که در اختیار ماست نوشته است که نه سال در خدمت یکی از اقطاب مقیم امریکایه نام باوا (بابا؟) محی الدین^۱ تلمذ می‌کرده است تا به چند و چون عرفان ایرانی پی ببرد.

در کارگاه ۱۴، ترجمه آقای بارکس را از "بشنو از نی" چاپ کردیم و اینک ترجمه غزلی را از دیوان شمس همراه با اصل آن به نظر شما می‌رسانیم.

We Point to the New Moon

This time when you and I sit here, two figures
with one soul, we are a garden,
with plants and birdsong moving through us
like rain.

The stars come out. We're out of
ourselves, but collected. We point
to the new moon, its discipline and slender joy.
We don't listen to stories
full of frustrated anger. We feed
on laughter and a tenderness
we hear around us,

when we're together.

And even more incredible, sitting here in Konya,
we're this moment in Khorasan and Iraq.
We have these forms in time,
and another in the elsewhere
that's made of this closeness.

(*Hand of Poetry*, p. 76.)

1. *The Hand of Poetry: Five Mystic Poets of Persia*, 1993.

2. Bawa Muhaiyaddeen

و این هم اصل غزل:

خنک آن دم که نشیتم در ایوان من و تو
 داد باغ و دم مرغان سدهند آب حیات
 اختران فلک آید به نظار ذمما
 من و نویی من و تو جمع شویم از سر ذوق
 این عجب تر که من و تو به یکی کنج ایجا
 به یکی نقش سربین خاک و بر آن نقش دیگر

(دیوان شمس، چاپ فروزانفر، غزل ۲۲۱۳)

پیش از آنکه به مقایسه دقیق ترجمه و اصل غزل پردازید پیشنهاد می‌کنم ترجمه را چند بار با ذهن خالی از تأثیر اصل فارسی بخوانید. آن‌گونه که خوانندگان انگلیسی زبان آن را می‌خوانند و سعی کنید آن را مزه مزه کنید. در غیر این صورت گرفتار مقایسه می‌شوید و کاستی‌های ترجمه (موارد حذف و تغییر و احیاناً بدفهمی) چنان ذهن شما را به خود مشغول می‌کنند که از دآوری صحیح توانایی شاعرانه کولمن بازگس باز می‌مانید. اصولاً ما ایرانی‌ها در ارزیابی ترجمه‌هایی که از آثار ادبی مان می‌شود داوران خوبی نیستیم، چون همیشه اصل شعر یا اثر در نه ذهن مان لانه می‌کند و رعایت امانت و تناظر یک به یک اصل و ترجمه برایمان اولین معیار موفقیت محسوب می‌شود.

ما در اینجا با نمونه‌ای از ترجمه آزاد رویرو هستیم (یک ترجمه آزاد دو مرحله‌ای) و اگر مترجم در مقصود خود موفق شده (و ایجاد ارتباط با انبوهی از خوانندگان انگلیسی زبان را به‌ناچار باید به حساب موفقیت او بگذاریم) درست به همین علت است که توانسته است پایبندی خود را به دقایق متن فارسی فراموش کند و در عوض بکوشد روح شعر را در قالب الفاظی که برای خوانندگان مخاطب خود دلپذیر باشد بریزد، درست به همان روشی که ادوارد فیتس جرال، در برگرداندن رباعیات خیام به انگلیسی عمل کرده است.

و ترجمه آزاد دو مرحله‌ای، اگر قرار است که به صورت تجویز شده با شرکت یک مترجم زبان مقصد و یک همکار زبان مبدأ انجام گیرد، کاری است وقتگیر و پرهزینه که نیاز به بذل عشق یا بودجه دارد تا حداقل متنی فراهم شود که یک ناشر بزرگ بیگانه به محض دریافت آن رازد نکند. و دولتمردان ایران اگر در راستای گفت و گوی تمدن‌ها علاقه‌مند به ترجمه تعداد بیشتری از آثار ادبی فارسی به زبانهای دیگر هستند، چاره‌ای ندارند جز اینکه به قول قدیمی‌ها سر کیسه را شل کنند. کشورهای ثروتمند غرب سالها برای ترجمه ادبیات عرب به زبانهای غربی پول خرج می‌کردند تا سرانجام قرعه جایزه ادبی نوبل به نام نجیب محفوظ مصری اصالت کرد و از آن پس توجه ناشران اروپایی و امریکایی به نویسندگان عرب زبان بیشتر شد.

و اینک فهرستی از ترجمه‌های آقای بارکس که بیشتر آنها با همکاری آقای معین تحقق یافته‌اند.

Open Secret, 1984.

Unseen Rain, 1986.

We Are Three, 1987.

These Branching Moments, 1988.

This Longing, 1988.

Declicious Laughter, 1989.

Like This, 1989.

Feeling the Shoulder of Lion, 1991.

One-Handed Basket Weaving, 1992.

The Hand of Poetry, Five Mystic Poets of Persia, 1993.

Birdsong: Fifty-Three Short Poems, 1993.

Say I am You, 1994.

The Essential Rumi, 1995.

The Illuminated Rumi, 1997.

The Glance: Songs of Soul-Meeting, 1999.